

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقشه ۲۴

سطح ۲

درس ۳

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی  
آموزشیار: آقای خادمی

## مقدمه:

در درس گذشته با مستند برخی از احکام عقد نکاح مانند دلیل لزوم استفاده از الفاظ عقد برای تحقق عقد، عدم ایجاد محرمیت با صرف توافق بر ازدواج و ... آشنا شدیم.

مصنف در این درس به ادامه مباحث فوق می‌پردازد و مستند برخی دیگر از احکام عقد نکاح را مطرح می‌کند که این مباحث عبارتند از:

الف: ادله معتبر بودن عربیت در صیغه عقد و نقد و بررسی آنها

ب: ادله اعتبار صیغه ماضی در عقد نکاح.

ج: دلیل عدم لزوم تقدم ایجاب بر قبول در عقد ازدواج.

د: ادله صحت وکالت در اجرای صیغه عقد نکاح.

مصنف در پایان، کیفیت اجرای صیغه توسط وکلاء را بیان می‌نماید.

## ادله لزوم عربی بودن صیغه عقد

برای لزوم عربی بودن عقد نکاح به چند دلیل تمسک شده است:<sup>۱</sup>

### دلیل اول

اگر صیغه عقد عربی نباشد عنوان عقد بر آن صدق نمی‌کند<sup>۲</sup> لذا علقه زوجیت محقق نمی‌شود.

### اشکال بر دلیل اول

این دلیل باطل است؛ زیرا عدم اطلاق عقد بر عقد غیر عربی ادعای بدون دلیل است و بر انشاء عقد به زبان های دیگر عقد صدق می‌نماید.

### دلیل دوم

قدر متیقن از عقد صحیح، عقد به زبان عربی است و اجرای عقد با الفاظ غیر عربی نیاز به دلیل دارد و چون دلیل خاصی برای صحت عقد با لفظ غیر عربی وجود ندارد مقتضای اصل استصحاب این است که بر عقدی که با لفظ غیر عربی اجرا شود اثر زوجیت، مترتب نمی‌گردد.

### اشکالات دلیل دوم:

اشکال اول: در صورتی که زوجین توانایی خواندن عقد به زبان عربی نداشته باشند احتمال داده نمی‌شود که شارع، اجرای عقد غیر عربی را منع کرده باشد.

اشکال دوم: مستفاد از آیه «وانکحوا الایامی منکم» این است که مجرد عقد نکاح مطلوب شارع می‌باشد هر چند فاقد قیودی مانند عربیت باشد لذا آیه اطلاق دارد و انشاء نکاح به هر زبانی صحیح است.

### قول به تفصیل

برخی از فقها تفصیل داده‌اند در صورتی که طرفین می‌توانند وکیلی را برای اجرای عقد به زبان عربی انتخاب کنند جایز نیست که خودشان به غیر عربی انشاء کنند اما اگر تمکن از اخذ وکیل نباشند جایز است که به هر زبانی که می‌توانند عقد را انشاء نمایند.

اشکال: این قول نیز بعید است؛ زیرا دلیلی برای تایید آن وجود ندارد و صرفاً ادعای بدون دلیل است.

<sup>۱</sup> . : مرحوم نراقی در کتاب مستند ادعای اجماع کرده و می‌گوید:

بر اشتراط عربیت اجماع وجود دارد و از علمای در تذکره نقل اجماع می‌کند؛ ولی مرحوم شیخ انصاری در کتاب نکاح تعبیر به مشهور می‌کند، شاید علتش این باشد که عده‌ای از متأخرین عربیت را لازم نمی‌دانند.

از علماء اهل سنت نیز (حدّ اقل دو نفر از فقهاء اربعه) اشتراط عربیت را شرط می‌دانند ولی بعضی مخالفت کرده‌اند.

جمع‌بندی اقوال: از نظر اقوال بیشتر علما قائل به اشتراط شده‌اند.

<sup>۲</sup> . این دلیل عجیب است و شیخ انصاری در مکاسب در عقد بیع، از محقق ثانی در جامع نقل می‌کند «العقد لا یصدق علی غیر العربی».

اشکال: فرض ما این است که عقد از عناوین محل ابتلاء جمیع امت‌ها است و می‌دانیم وضع الفاظ هم برای حاجت است، بنابراین عقد اجاره، هبه، بیع، نکاح، ... الفاظی دارد، یعنی آیا می‌توان گفت قراردادهای تمام عقلای دنیا باطل است و صدق عنوان عقد نمی‌شود؟

## نظر مصنف

از آنجا که دلیل محکمی برای مساله پیدا نشد احتیاط مقتضی آن است که صحت عقد به زبان غیر عربی اختصاص به جایی داشته باشد که توانایی اخذ وکیل وجود ندارد و گرنه در جایی که امکان اخذ وکیل وجود دارد انشاء عقد غیر عربی صحیح نیست.

## دلیل لزوم ماضی بودن عقد

برای ماضی بودن صیغه عقد به چند دلیل اشاره شده است:

الف: قدر متیقن از عقد صحیح، عقدی است که به صیغه ماضی انشاء شود بنابراین در صحت انشاء عقد غیر ماضی شک می‌کنیم که آیا بر این عقد، اثر زوجیت مترتب می‌شود یا نه؟ مقتضای اصل استصحاب عدم ترتب اثر زوجیت می‌باشد.

ب: فعل ماضی صریح در ایجاد انشاء است بخلاف افعال دیگر که صراحت در انشاء ندارد؛ زیرا انشاء به معنای ایجاد است و متعلق فعل مضارع و آینده در زمان انشائش ایجاد نمی‌شوند بلکه در آینده ایجاد می‌شوند.

## اشکالات مصنف بر این دو دلیل:

اشکال اول: آنچه در نزد شارع پسندیده و مطلوب است صرف تحقق عنوان نکاح بدون هر گونه قید و شرط اضافه است، بنابراین به صیغه عقدی که به غیر ماضی خوانده شود عقد نکاح اطلاق می‌شود و لذا صحیح و مشروع است. اشکال دوم: برخی از روایات نکاح موقت به صورت غیر ماضی آمده است مانند روایت ابان بن تغلب «أَنْزَوْجُكَ...»

ج: در شریعت برای صیغه عقد موارد خاصی در نظر گرفته شده است و اگر صحت عقد به غیر ماضی گسترش یابد موجب آن می‌شود که صیغه‌ها و ترکیب‌های بسیاری شکل گیرد و این برخلاف میل شارع به توقیفی بودن صیغه عقد است.

اشکال: بر فرض که صیغه عقد به انواع مختلف و گوناگونی تحقق یابد و با جملات و ترکیب‌های مختلفی انشاء شود هیچ محذوری ایجاد نمی‌کند.

متن: ۶- و اما اعتبار العریة فی صیغة العقد فقد يستدل له: تارة بعدم صدق العقد إذا لم یکن بالعریة.

ترجمه: و اما این که عربی بودن در صیغه عقد شرط می‌باشد گاهی برای اثبات آن، استدلال می‌شود اولاً به این که اگر صیغه عربی نباشد، عقد صدق نمی‌کند.

متن: و اخرى: بان القدر المتیقن من العقد الصحیح هو العقد بالعریة، و تحققه بغيرها یحتاج إلى دلیل، و هو مفقود، و الاصل یقتضی عدم ترتب الأثر.

ترجمه: و ثانیاً، قدر متیقن از عقد صحیح عقد عربی است و محقق شدن عقد صحیح با لفظ غیر عربی به دلیل نیاز دارد و دلیل مفقود است و مقتضای اصل عدم ترتب اثر است.

متن: و کلاهما کما تری.

ترجمه: و هر دو دلیل همان طور که می‌بینی (مخدوش است)

متن: اما الاول فواضح.

ترجمه: اما اشکال دلیل نخست، روشن است.

متن: و اما الثانی فلعدم احتمال منع الشارع من الزواج إذا لم يتمكن الزوجان من ممارسة العربية.

ترجمه: اما اشکال استدلال دوم این است که احتمال نمی‌دهیم شارع از ازدواج کردن هنگامی که زوجین نتوانند صیغه را به عربی بگویند منع کرده باشد.

متن: هذا مضافا إلى ان المستفاد من قوله تعالى: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ...»<sup>۱</sup> مطلوبية عنوان النكاح من دون قيد زائد، و حيث ان العقد بغير العربية يصدق عليه عنوان النكاح فيكون مشروعاً و ممضياً.

ترجمه: علاوه بر این که از سخن خدای بلند مرتبه: «و زنان بی شوهر را به نکاح در آورید» مطلوبیت عنوان نکاح بدون قید زائد استفاده می‌شود، و از آنجایی که بر عقد غیر عربی عنوان نکاح صدق می‌نماید لذا مشروع و (از ناحیه) شارع امضا شده است.

متن: ثم ان التفصيل بين امكان توكيلهما شخصا يعقد بالعربية فلا يجوز لهما العقد بغير العربية و بين عدم الامكان فيجوز لهما ذلك، بعيد لعدم امكان تتميمه بالدليل.

ترجمه: بنابراین بین امکان وکیل گرفتن زوجین شخصی را که عقد عربی بخواند پس عقد غیر عربی برای زوجین جایز نیست و بین (حالتی که) وکیل گرفتن امکان ندارد پس برای زوجین انشاء عقد غیر عربی جایز است تفصیل بعید می‌باشد؛ زیرا امکان اثبات تفصیل با دلیل وجود ندارد.

متن: أجل الاحتياط بالاقتران على حالة عدم امكان التوكيل أمر مناسب بل لازم.

ترجمه: بله، اکتفاء کردن به حالتی که نمی‌تواند وکیل بگیرد، احتیاط مستحب بلکه احتیاط واجب است.

متن: ۷- و اما اعتبار الماضي فقد يستدل له:

ترجمه: و اما ماضی بودن عقد شرط است که گاهی برای آن استدلال می‌شود:

متن: تارة بكون العقد بالماضي هو القدر المتيقن من العقد الصحيح، و غيره مشكوك فتجری بلحاظه اصالة عدم ترتب الاثر.

ترجمه: اولاً: این که عقد به زمان ماضی قدر متیقن از عقد صحیح است و عقد غیر ماضی مشکوک است و در آن اصل عدم اثر جاری می‌گردد.

متن: و اخرى بأن الماضي صريح في الانشاء بخلاف غيره.

ترجمه: ثانياً: به این که ماضی صراحت در انشاء دارد برخلاف غیر ماضی (زیرا انشاء به معنی ایجاد است و متعلق فعل مضارع و مستقبل در زمان انشائش ایجاد نمی‌شوند بلکه در آینده ایجاد می‌گردد).

متن: و ثالثة بان تجویز غير الماضي يؤدي إلى انتشار الصيغة و عدم وقوفها عند حدّ معين.

<sup>۱</sup>. النور: ۳۲.

ترجمه: ثالثاً: این که اگر غیر ماضی جایز باشد منجر به زیاد شدن صیغه‌های عقد می‌شود و تعداد مشخصی نخواهند داشت.

متن: و الجواب:

ترجمه: جواب استدلال‌ها:

متن: أما عن الاخير فبان انتشار الصيغة و عدم وقوفها عند حد لا يشكّل محذورا.

ترجمه: اما جواب استدلال آخر این است که زیاد بودن صیغه ازدواج و محدود به حد مشخص نبودن، محذوری به وجود نمی‌آید.

متن: و اما عن الاولين فيما تقدم من ان المستفاد من الكتاب العزيز مطلوبة كل ما يصدق عليه عنوان النكاح من دون قيد زائد، و حيث ان الانشاء بغير الماضى يصدق عليه عنوان النكاح فيكون مشروعاً.

ترجمه: و اما در مورد استدلال‌های اول و دوم، همان طوری که قبلاً گذشت چیزی که از قرآن استفاده می‌شود مطلوب بودن هر چیزی است که بر آن عنوان نکاح بدون قيد زائد صدق نماید و از آنجایی که بر انشاء عقد غیر ماضی عنوان نکاح صادق است، لذا مشروع است.

متن: هذا مضافاً إلى ما تقدم في روايات النكاح المنقطع من انه يقول: أتزوجك ...

ترجمه: علاوه بر چیزی که در برخی از روایات نکاح موقت گذشت که عبارت است از: أتزوجك ... (که با صیغه مضارع آمده است)

### ادله عدم شرطیت تقدیم ایجاب بر قبول

برای عدم اشتراط تقدیم ایجاب بر قبول به دو دلیل استدلال می‌شود:

۱. صدق عنوان نکاح: عنوان نکاح در هر دو صورت تقدیم ایجاب و تقدیم قبول، صدق می‌کند و مستفاد از قرآن این است که عنوان نکاح مطلوب مولاست و رعایت قیود و شرایط زائد لازم نیست.

۲. تمسک به روایات: برای جواز تقدیم ایجاب بر قبول به روایاتی که در باب متعه آمده است مثل روایت ابان بن تغلب نیز می‌توان تمسک کرد.

### موجب و قابل در صیغه عقد

آیا لازم است ایجاب از جانب زوجه و قبول از جانب زوج باشد یا برعکس نیز کفایت می‌کند؟<sup>۱</sup>

۱. به چند دلیل بر لزوم تقدیم ایجاب و صدور آن از ناحیه زوجه استدلال شده است:

۱- اصاله الفساد: شک داریم که اگر ایجاب از زوج و قبول از زوجه باشد عقد صحیح است یا نه؟ اصل در معاملات خصوصاً در نکاحی که شبیه توقیفیات است فساد است، پس قدر متیقن ایجاب زوجه و قبول زوج و غیر آن باطل و فاسد است.

۲- رجوع به عرف: معهود نیست و ندیده‌ایم که زوجی به زوجه بگوید من خودم را به همسری تو درآوردم.

۳- حقیقت نکاح: حقیقت نکاح عبارت است از تسلیط المرأة الزوج علی بضعه بالمهر یعنی زن شوهر را در مقابل مهر بر خودش مسلط کند، و مرد نمی‌تواند بگوید من در مقابل مهر خودم را بر تو مسلط کردم. در واقع معنی تزویج این است زن در مقابل مهر خودش را در اختیار شوهر قرار دهد پس باید از ناحیه او شروع شود و مرد نمی‌تواند بگوید که خودم را تحت اختیار تو قرار می‌دهم.

دیدگاه مصنف آن است که لازم نیست ایجاب از جانب زوجه باشد بلکه اگر مرد نیز موجب باشد عقد صحیح می‌باشد؛ زیرا از آیه قرآن معلوم شد که عنوان نکاح، مطلوب می‌باشد و در جایی که مرد نیز موجب باشد عنوان نکاح صادق می‌باشد. البته، احتیاط مقتضی آن است که نخست زوجه، ایجاب را انشاء کند و سپس زوج، قبول را ابراز کند.

### ادله جواز انشاء عقد توسط وکیل

دلیل اول: روایاتی که دلالت بر مشروعیت وکالت می‌نماید مطلق می‌باشند، لذا شامل وکالت در باب نکاح نیز می‌گردد.

دلیل دوم: برخی از روایاتی که به صورت خاصه در باب نکاح وارد شده است مانند روایت داود بن سرحان از امام صادق علیه‌السلام: «مردی می‌خواهد خواهرش را به ازدواج کسی در آورد... پس اگر خواهرش بگوید: من را به تزویج فلان شخص درآور، برادر می‌تواند و او را به عقد کسی که راضی است درآورده.» این روایت تصریح در وکالت در اجرای عقد نکاح دارد<sup>۱</sup>.

### صورت‌های اجرای صیغه عقد توسط وکیل

#### اجرای صیغه عقد توسط دو وکیل

اگر هر یک از طرفین عقد برای اجرای صیغه عقد فرد خاصی را وکیل کرده باشند کیفیت اجرای عقد توسط دو وکیل به این گونه است که نخست وکیل زن خطاب به وکیل مرد می‌گوید: «زَوَّجْتُ فُلَانَةَ مَوْكَلَّتْ فُلَانًا عَلٰی مَهْرٍ كَذَا» و سپس وکیل زوج می‌گوید: «قَبِلْتُ الزَّوْجَ عَنِ مَوْكَلِّي عَلِي الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ».

#### اجرای عقد توسط وکیل زن

در صورتی که زوجه در اجرای عقد وکیل گرفته باشد و زوج خودش قابل باشد وکیل زوجه خطاب به زوج می‌گوید: «زَوَّجْتُكَ فُلَانَةَ عَلٰی مَهْرٍ كَذَا» و سپس زوج می‌گوید: «قَبِلْتُ الزَّوْجَ عَلِي الْمَهْرِ الْمَذْكُورِ».

#### اجرای صیغه عقد توسط وکیل مرد

### جواب از ادله:

قائلین بر لزوم تقدیم ایجاب و صدور آن از ناحیه زوجه در فهم حقیقت زوجیت اشتباه کرده‌اند و حقیقت نکاح آن نیست که اینها گفته‌اند، این تصور کسانی است که نکاح را یک نوع معامله یا بیع می‌دانند که در آن بایع غیر از مشتری است و مهر را هم عوض می‌دانند، در حالی که شبیه صلح و مصالحه است که طرفین آن هر دو مانند هم هستند و بهترین دلیل بر اینکه مهر جزء ارکان نکاح نیست این است که اگر مهر را ذکر هم نکنند عقد باطل نمی‌شود و دو رکن زوجیت، زوج و زوجه هستند، نه اینکه زوجه و مهر باشد اگر زوجه و مهر رکن بودند در مقام مقابله می‌گفتند: زَوَّجْتُكَ نفسی بالمهر المعلوم و حال آنکه می‌گویند: علی المهر المعلوم، یعنی مهر شرط است و رکن نیست.

<sup>۱</sup>. اگر زوج وکیل زوجه باشد آیا باید زوجه مشخص کند که ایجاب را به مرد وکالت می‌دهد و یا قبول را وکالت می‌دهد؟ جواب آن است که تفاوتی ندارد زیرا هر یک از طرفین می‌توانند موجب یا قبول کننده باشند (البته این کلام مبنی بر این است که مرد نیز می‌تواند موجب باشد).

در صورتی که زوج به تنهایی وکیلی را در اجرای عقد انتخاب کرده باشد زوجه خطاب به وکیل زوج می‌گوید: « زوجت نفسی موکلک علی مهر کذا» و سپس وکیل زوج می‌گوید: « قبلت الزواج عن موکلی علی المهر المذكور»<sup>۱</sup>.  
متن: ۸- و اما عدم اعتبار تقدم الايجاب فلصدق عنوان النکاح بدون ذلك، و الاستفادة من الكتاب العزيز مطلوبة عنوان النکاح لا أكثر.

ترجمه: اما این که شرط نیست ایجاب بر قبول مقدم باشد به دلیل این است که بدون تقدیم، عنوان نکاح صادق است و چیزی که از قرآن استفاده می‌شود مطلوبیت عنوان نکاح، است نه بیشتر.

متن: بل جواز ذلك يستفاد بوضوح من روايات المتعة التي تقدمت الاشارة إلى بعضها.

ترجمه: بلکه جواز تقدیم قبول، به روشنی از روایات متعه که اشاره به بعضی از آنها گذشت، استفاده می‌شود.

متن: و من خلال هذا يتضح الوجه في جواز كون الايجاب من الزوج و القبول من الزوجة ولكن مراعاة الاحتياط بتقديم الايجاب و كونه من الزوجة امر لازم.

ترجمه: از درون این سخن (یعنی مطلوبیت عنوان نکاح) جایز بودن ایجاب از طرف مرد و قبول از طرف زن روشن می‌شود ولی رعایت احتیاط در تقدیم ایجاب و این که ایجاب از طرف زن باشد امر لازمی است.

متن: ۹- و اما الاكتفاء بالتوكيل، فلإطلاق دليل مشروعية الوكالة- الذي تقدمت الاشارة إليه عند البحث عن الوكالة- و الروايات الخاصة، كصحيحة داود بن سرحان عن أبي عبد الله عليه السلام: «رجل يريد ان يزوجه اخته ... فان قالت: زوجني فلانا زوجها ممن ترضي»<sup>۲</sup> و غيرها.

ترجمه: وکیل گرفتن برای اجرای عقد کافی است؛ زیرا دلیل مشروعیت وکالت مطلق می‌باشد که بحث از آن در (کتاب) وکالت گذشت. و به دلیل روایات خاصه مانند صحیح داود بن سرحان از امام صادق علیه السلام: «مردی می‌خواهد خواهرش را به ازدواج دیگری در بیاورد... امام علیه السلام فرمود: اگر خواهرش بگوید: مرا به عقد فلانی در بیاور، او را به ازدواج کسی که به آن راضی است در بیاورد.» و غیر این روایت.

متن: و علی هذا یکفی ان يقول وکیل الزوجة لوکیل الزوج: زوجتُ موکلتی فلانة موکلك فلانا علی مهر کذا، ثم يقول وکیل الزوج: قبلتُ الزواج عن موکلی علی المهر المذكور.

ترجمه: بنابراین اگر وکیل زوجه به وکیل زوج بگوید: «زوجت موکلتی فلانه موکلك فلانا علی مهر کذا» و سپس وکیل زوج بگوید: «قبلت الزواج عن موکلی علی المهر المذكور» کفایت می‌کند.

متن: و إذا كانت الزوجة قد وكلت فقط كفی ان يقول وکیلها للزوج: زوجتک موکلتی علی مهر کذا ثم يقول الزوج: قبلتُ الزواج علی المهر المذكور.

۱. لا يشترط في لفظ القبول مطابقته لعبارة الايجاب بل يصح الايجاب بلفظ و القبول بلفظ آخر فلو قال زوجتك، فقال: قبلت النکاح أو قال انکحتک، فقال: قبلت التزويج، صح و ان كان الاحوط المطابقة.

۲. وسائل الشیعة ۱۴: ۲۱۱ الباب ۷ من أبواب عقد النکاح الحديث ۱.



ترجمه: و اگر تنها زن وکیل گرفته باشد کافی است وکیلش به زوج بگوید «زوجتک موکلتی علی مهر کذا» سپس زوج بگوید: «قبلت الزواج علی المهر المذكور».

متن: و إذا كان الزوج قد وكل فقط كفى ان تقول الزوجة لوکیل الزوج: زَوَّجْتُ نَفْسِي مُوَكَّلِكَ عَلَى مَهْر كَذَا، ثم يقول وکیل الزوج: قَبَلْتُ الزَّوْاجَ عَنِ مُوَكَّلِي عَلَى الْمَهْرِ الْمَذْكُورِ.

ترجمه: و اگر تنها مرد وکیل گرفته باشد کافی است که زوجه به وکیل او بگوید: «زَوَّجْتُ نَفْسِي مُوَكَّلِكَ عَلَى مَهْر كَذَا» سپس وکیل زوج بگوید «قبلت الزواج عن موکلی علی المهر المذكور»

## چکیده

۱. ادله لزوم عربیت در عقد، عبارت‌اند از:  
(الف) عدم صدق عنوان عقد در صورتی که به غیر عربی باشد.  
(ب) قدر متیقن از عقد صحیح، عقد عربی است.  
۲. مصنف بر این دو دلیل اشکال نموده است به این که آنچه مطلوب هست نفس ایجاد عقد نکاح مشروع است.  
۳. برخی تفصیل داده‌اند که اگر امکان دارد زوجین وکیل بگیرند تا عقد به عربی اجرا شود اما اگر اخذ وکیل ممکن نبود می‌توانند عقد را به هر زبانی که خواستند اجرا کنند و احتیاط واجب رعایت این تفصیل می‌باشد.  
۴. برای اعتبار ماضویت به چند دلیل استدلال شده است:  
(الف) قدر متیقن از عقد صحیح عقدی است که با صیغه ماضی باشد.  
(ب) فعل ماضی صراحت در انشاء عقد دارد.  
(ج) جایز بودن غیر ماضی به گسترش بی رویه الفاظ عقد منجر می‌شود.  
۵) ادله جواز اجراء عقد توسط وکیل، اطلاعات ادله مشروعیت باب وکالت و روایات خاصه مانند صحیحہ داود بن سرحان می‌باشد.

## ساختار

عربی بودن الفاظ عقد } لازم است  
(مصنف) لازم نیست  
در صورت تمکن از وکیل، لازم است.

دلیل عربی بودن } عدم صدق عنوان عقد بر عقد غیر عربی  
قدر متیقن از عقد صحیح، عقد عربی  
اشکال مصنف: عنوان عقد بدون قیود اضافی، مطلوب شارع است.

اقوال در ماضی بودن عقد } لازم است  
(مصنف) لازم نیست.

قدر متیقن از عقد صحیح

ادله ماضی بودن عقد ماضی صریح در انشا است.

توقیفی بودن الفاظ عقد نکاح

تحقق عنوان نکاح بدون تقدم ایجاب  
ادله عدم لزوم تقدم ایجاب بر قبول  
در برخی روایات قبول مقدم شده است.

اطلاقات ادله شرعیه و کالت  
ادله جواز توکیل  
صحیحہ داود بن سرحان